

جایگاه و شخصیت حضرت حمزه از منظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)

علی جمعه حیدری^۱

چکیده

شناختن و شناساندن هرچه بیشتر و بهتر بزرگان دین و مجاهدان و حمایتگران از اسلام و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، مانند حضرت حمزه (علیه السلام)، به عنوان الگوهای معرفتی و رفتاری، از اهمیت بالا برخوردار است. از این رو مقاله حاضر با تحقیق کتابخانه‌ای و به طور مستند، حمزه (علیه السلام) را از منظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) آن حضرت، معرفی نموده و برخی از فضایل او را که در سخنان و رفتار عملی آن بزرگواران انعکاس یافته است، مورد بازخوانی قرار داده است و بر این عقیده است که حضرت حمزه نه تنها در نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و عترت آن حضرت دارای مقام و منزلت است، بلکه نزد خدای سبحان نیز تقرب خاص دارد و مکتوب بودن لقبش به عنوان سیدالشهدا در ستون عرش الهی، گواه بودنش در قیامت بر تبلیغ رسالت انبیاء و ... شاهد این تقرب است، همچنین مایه‌ای افتخار بودنش برای ائمه معصومین (علیهم السلام)، مطاف و مزار بودن قبرش برای حضرت زهرا سلام الله علیها، صاحب لواء پیامبر بودنش در قیامت و... شاهد بر مقام منزلت او، در نزد اهل بیت (علیهم السلام)، می باشد.

کلیدواژگان

رسول خدا (ص)، اهل بیت (علیهم السلام)، عظمت حمزه، روایات.

۱. سطح ۴ فقه و اصول جامعه المصطفی در نمایندگی اصفهان. تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۵/۹ - تاریخ

تأیید ۱۴۰۰/۷/۱۰.

حضرت حمزه (علیه السلام) یکی از مجاهدان در راه خدا و از سرداران رشید اسلام است که مظلومانه در راه خدا به شهادت رسید و دشمنان جنایت کار، بدن مطهرش را مثله کردند و جگرش را درآوردند، این منظره به اندازه‌ای دل خراش و جان سوز بود که وقتی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بدن عموی بزرگوارش را به این صورت دید، فوق‌العاده متأثر و ناراحت گردید.

هرچند دشمنان اسلام و انسانیت این کار را در حق حضرت حمزه انجام دادند، اما او در نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، از مقام و منزلت بالا برخوردار است، بلکه مقام قربش در نزد خدای سبحان نیز زیاد است. با توجه به این مقام و منزلت او نزد خدای سبحان و اهل بیت (علیهم السلام) است که آیات متعددی از قرآن کریم، درباره‌ی بیان فضایل او همراه با امام علی (علیه السلام) و برخی شهدای دیگر، تفسیر و تبیین شده است (که بررسی شخصیت حضرت حمزه از منظر قرآن کریم، به صورت مقاله جداگانه توسط نگارنده تهیه و تنظیم شده است). همچنین در روایات زیادی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) آن حضرت، فضایل و مناقب حضرت حمزه بیان شده است که در این مقاله به تبیین برخی از این روایات پرداخته شده و با استناد به این روایات، بعضی از فضایل و افتخارات او مورد بررسی قرار گرفته است.

سیدالشهدا بودن حمزه در عرش الهی

شهادت در راه خدا مقامی است که اجر و پاداش آن فوق تصور و ادراک بشر است. چنانکه در ضمن روایتی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، درباره فضیلت شهادت نقل کرده آمده است که: «وقتی شهید روی زمین می افتد، به او بشارت داده می شود که برای تو (از اجر و پاداش) به اندازه‌ای است که هیچ چشمی ندیده و گوش‌ی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی

خطور نکرده است»^۱.

با توجه به مقام و منزلت شهید، معلوم است که سید و آقای شهیدان بودن، مقام و مرتبه‌ای بالاتری دارد و یکی از فضایل حمزه این است که سیدالشهدا است و این فضیلت او، در چند جا به ثبت رسیده است. یکی از آنجاها، عرش الهی است. چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ضمن روایتی فرمود: «عَلَى قَائِمَةِ الْعَرْشِ مَكْتُوبٌ حَمَزَةُ أَسَدِ اللَّهِ وَ أَسَدُ رَسُولِهِ وَ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ ...» در ستون عرش نوشته شده است: حمزه شیر خدا و شیر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سالار شهیدان است»^۲.

سیدالشهدا بودن حمزه در بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان عنایات حضرت حق نسبت به خود و همچنین در بیان فضایل اهل بیت و خاندانش، در ضمن روایتی نسبتاً طولانی می‌فرماید: «من سید اولاد آدم هستم (اما) فخری ندارم [بلکه از باب یادآوری لطف و عنایت خدای سبحان به من است]، علی (علیه السلام) سید عرب است و بر جمیع عالمیان از اولین و آخرین فضیلت داده شده ... فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سیده زنان دو جهان و حسن و حسین (علیهما السلام) دو سید و آقای جوانان اهل بهشت اند ... و در معرفی حمزه فرمود: حَمَزَةُ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ، حمزه سید و آقای شهیدان است»^۳.

چنانکه معلوم است حضرت در معرفی بزرگان خاندان و اهل بیت خود، حمزه را به عنوان سید و آقای شهیدان، معرفی می‌کند که این خود مقام و منزلت والای حضرت حمزه را نشان می‌دهد.

سیدالشهدا بودن حمزه در بیان جبرئیل امین

۱. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص: ۲۲۴. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل

آل محمد صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص: ۱۲۱.

۳. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۹۴ - ۴۹۵.

در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه وآله می خوانیم که حضرت فرمود: خدای سبحان مرا در بین سه نفر از اهل بیت و خاندانم برگزید و من سید آن سه نفر و پرهیزگارترین آنها هستم و فخری ندارم، (خدای سبحان) مرا و علی و جعفر فرزندان ابی طالب و حمزه فرزند عبدالمطلب را برگزید. (یک زمانی) در ابطح چشم ما به خواب سبکی آشنا شد، درحالی که علی بن ابی طالب در سمت راستم، جعفر بن ابی طالب در طرف چپم، حمزه بن عبدالمطلب در پائین پایم قرار داشتند. پس مرا صدای بال ملائکه ی الهی بیدار کرد، متوجه شدم که جبرئیل امین با سه دسته ملک حضور دارد، یکی از آن دسته های سه گانه به جبرئیل گفت: به سوی کدام یک از این چهار نفر فرستاده شده ای؟ جبرئیل در پاسخ با پایش به سینه من زد و گفت: به سوی این یکی.

دوباره آن ملک پرسید: چه کسی است این؟ جبرئیل پاسخ داد: این محمد سید و بزرگ انبیاء است، (سپس با اشاره به آن سه نفر هر کدام را معرفی نموده گفت): این علی بن ابی طالب سید و آقای اوصیاء است و این جعفر بن ابی طالب است که برایش دو بال رنگین داده می شود و در بهشت پرواز می کند و در معرفی حمزه گفت: «هَذَا حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِالمطلب سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ، این حمزه فرزند عبدالمطلب سید و آقای شهیدان است».

در این معرفی نیز می بینیم که جبرئیل امین، حمزه را به عنوان سید شهیدان معرفی می کند.

سیدالشهدا بودن حمزه در بیان امام حسن مجتبی (علیه السلام)

۱۴۵

امام حسن مجتبی (علیه السلام) نیز در ضمن سخنرانی تاریخی خود که بعد از صلح با معاویه، در کوفه در حضور جمعیت زیادی از مردم و حضور معاویه انجام داد، بعد از حمد و ثنای الهی و شهادت به وحدانیت خدای سبحان و رسالت خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله و معرفی اجمالی اهل بیت

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۴۷ - ۳۴۸.

عصمت و طهارت (علیهم السلام)، به ذکر برخی از فضایل بی‌شمار امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پرداخته و تعدادی از آیات قرآن کریم را که در شأن و منزلت آن حضرت نازل شده است را، یادآوری نمود، سپس سخن از حمزه و برخی فضایل او گفته و چنین فرمود: «از کسانی که دعوت رسول خدا صلی الله علیه وآله به توحید را لیبیک گفتند، عمویش حمزه و پسرعمویش جعفر (طیار) بودند، آن دو بزرگوار (که رضوان خداوند بر آنها) باد همراه با تعداد زیادی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله به شهادت رسیدند. پس خدای سبحان از بین شهدا، حمزه را سید و آقای شهیدان قرار داد و برای جعفر دو بال عطا کرد که با آنها با ملائکه‌ی الهی هر جا خواست پرواز می‌کند، این (عنایت خدای سبحان به آن دو شهید والامقام) به خاطر جایگاه (رفیع) و همچنین منزلت و قرابت آن دو، در نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله، می‌باشد. رسول الله (صلی الله علیه وآله) از بین شهدای که با حمزه شهید شده بودند، تنها برای حمزه هفتاد نماز خواند (هفتاد تکبیر گفت)».

طبق این روایت، این که امام حسن مجتبی (علیه السلام) در آن مجمع عمومی و حضور معاویه، در کنار بیان فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، به ذکر شهادت و برخی فضایل حمزه پرداخته و جایگاه او و جعفر طیار در نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله را، یادآوری نموده است، هم بیان‌گر مقام و عظمت حضرت حمزه در نزد خدای سبحان است و هم جایگاه رفیع او را در نزد اهل بیت (علیهم السلام) و سایر مردم، نشان می‌دهد.

هفتاد بار تکبیر گفتن رسول خدا صلی الله علیه وآله در نماز بر حمزه

در نماز بر میت بر اساس فقه جعفری، پنج تکبیر واجب است که بر اساس برخی روایات این پنج تکبیر، از نمازهای پنج‌گانه (یومیه) گرفته شده است (از هر نمازی یک تکبیر)^۱؛ اما طبق روایات ائمه معصومین (علیهم السلام)، رسول

۱. طوسی، محمدبن حسن، الأمالی، ص ۵۶۳ - ۵۶۴.

۲. ابن بابویه، محمدبن علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۰۲.

خدا ((صلی الله علیه و آله)) در نماز برای حمزه هفتاد تکبیر گفته است! با توجه به این نکته که سیره قولی و عملی آن حضرت متصل به وحی است و خالی از حکمت نیست؛ لذا این عمل خارق العاده‌ی آن حضرت در نماز خواندن بر حمزه سیدالشهدا، بیان‌گر این نکته خواهد بود که حضرت حمزه از ویژگی و عظمت خاصی برخوردار بوده است که فقط خدا و رسولش به آن، آگاهی دارند.

حمزه بهترین عموهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله

بررسی مخفی نیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله، عموهای متعدد داشت از جمله حضرت ابوطالب که نهایت مهربانی و همکاری نسبت به وی را داشت و از هیچ حمایتی فروگذار نمی‌کرد و به‌عنوان بزرگ قریش و بنی‌هاشم، فرزندان عبدالمطلب بلکه همه بنی‌هاشم را بر نصرت و یاری و اطاعت و پیروی از آن حضرت تشویق و ترغیب می‌نمود.^۱

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در هنگام رحلت ابوطالب شدیداً متأثر و محزون گردید و ضمن دعا برای او و یادآوری حمایت و مهربانی‌های او فرمود: آن‌چنان برایت شفاعت نمایم که ثقلان (انس و جن) از آن شگفت‌زده شوند؛ اما درعین حال، طبق روایتی که از آن حضرت نقل شده است، ایشان بهترین عموهای خود حضرت حمزه را معرفی نموده و چنین می‌فرماید: «خَيْرُ إِخْوَانِي عَلِيٌّ وَ خَيْرُ أَعْمَامِي حَمْزَةٌ، بهترین برادرانم علی و بهترین عموهایم حمزه (علیهما السلام) است».^۲

این بیان نورانی رسول خدا صلی الله علیه و آله، سند دیگر بر عظمت حمزه به شمار می‌رود که به‌عنوان بهترین عموهای آن حضرت، معرفی شده است.

انتخاب حمزه به‌عنوان یکی از یاوران مخصوص پیامبر اکرم از سوی

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۸؛ طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۹۸.

۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۶، حاشیه.

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۴، ص ۷۶.

۴. ابن بابویه، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۶۱.

خدای سبحان

روایتی نسبتاً طولانی از رسول خدا صلی الله علیه وآله، نقل شده است که در ضمن آن فرمود: «هیچ پیامبری نیست مگر اینکه خدای سبحان وزیر و یآوری را برای او قرار داده است و خدای عزوجل مرا به سبب چهار کس مخصوص گردانیده (و آنها را یاور من قرار داده) است که دو نفر از این چهارتا در آسمان و دو نفرشان در زمین اند، پس آن دوتای که در آسمان اند جبرئیل و میکائیل اند و آن دونفری که در زمین اند علی بن ابی طالب و عمویم حمزه بن عبدالمطلب اند.»^۱ بر اساس این روایت، حمزه سیدالشهدا آنچنان از مقام ارجمند و عظمت بالا برخوردار است که به عنوان وزیر و همیار مخصوص رسول خدا صلی الله علیه وآله، در کنار فرشته‌های مقرب الهی و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، معرفی شده است.

حمزه پرچم‌دار لواء تکبیر در قیامت

یکی دیگر از فضایل حمزه از منظر رسول خدا صلی الله علیه وآله این است که در قیامت یکی از پرچم‌داران آن حضرت خواهد بود؛ زیرا طبق روایتی که از آن حضرت نقل شده است، در قیامت چهار لواء به او عطا می‌شود بنام لواه‌ای: حمد، تهلیل، تکبیر و تسبیح، رسول خدا صلی الله علیه وآله لواء تکبیر را به حمزه سیدالشهدا می‌دهد.^۱

معلوم است که پرچم‌دار و صاحب لواء بودن از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله (که همه کارها و تعیین و انتصاب‌اتشان بر اساس شایستگی و لیاقت است) فضیلت بزرگی است که هر کس به این مقام و فضیلت نمی‌رسد. بنابراین، صاحب لواء بودن حمزه سیدالشهدا در قیامت از سوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، فضیلت دیگر برای آن شهید والامقام، به شمار می‌رود.

حمزه از روسفیدان در روز قیامت

۱. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۴۸.

بر اساس آیات و روایات متعدد، روز قیامت روز بسیار سخت و پر از ترس و هراس است و هرکس به فکر خود است، به گونه‌ای که انسان از برادر و پدر و مادر و همچنین از همسر و فرزندان خود فرار می‌کند؛ اما طبق آیات و روایات، کسانی هم هستند که در آن روز شاداب و خندان و متنعم به انواع نعمت‌های بهشتی هستند و ... معلوم است که این دسته انسان‌ها به اوج قله‌ای کمال انسانی و قرب الهی نائل آمده‌اند و از مقام و منزلت بالا در نزد خدای سبحان برخوردارند. بر اساس روایات، خاندان عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) در رأس این دسته انسان‌ها قرار دارند و یکی از آن‌ها حمزه سیدالشهدا معرفی شده است.

چنانکه از انس بن مالک نقل شده است که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه کریمه: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ، چهره‌های در آن روز (روز قیامت) گشاده و نورانی است» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: «ای انس! چهره‌های خندان و دل‌های شاد متعلق به فرزندان عبدالمطلب است که شامل من و علی بن ابی‌طالب، حمزه، جعفر طیار، حسن، حسین و فاطمه (علیهم‌السلام) می‌شود. ما در قیامت از قبرها برمی‌خیزیم، درحالی‌که چهره‌های ما مثل آفتاب نورانی است و از این‌که خدای سبحان از ما راضی است، بسیار خوشحال و شاد هستیم و خنده‌های شادی بر لبان ماست و یکدیگر را به اجر جزیل و ثواب جمیل بشارت و نوید می‌دهیم»^۱.

حمزه بهترین خاندان پیامبر اکرم (ص) بعد از اهل بیت (علیهم‌السلام)

یکی دیگر از فضایل حمزه این است که افزون بر سید شهدا بودن او البته غیر از انبیاء و اوصیاء که آن‌ها برترند، رسول خدا صلی الله علیه و آله، وی را بهترین خاندان خود بعد از اهل بیت خویش، معرفی کرده است که این خود فضیلت بس بزرگ به شمار می‌رود. شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین روایتی نسبتاً طولانی را

۱. عبس، ۳۴ - ۳۶.

۲. عبس، ۳۸.

۳. حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۲۴.

از سلمان فارسی نقل می‌کند که گفت: من در هنگام بیماری رسول خدا صلی‌الله علیه و آله که در آن رحلت نمود، در کنار بستر آن حضرت بودم و ناراحتی و گریه‌های فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) در کنار بستر پدرش را می‌دیدم، حضرت (برای دل‌داری یگانه دخترش) برخی از فضایل و مناقب او و همسرش امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و فرزندانش را بیان نمود، به گونه‌ای که آن بانوی بانوان خوشحال و خندان شد. از جمله رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) فرمود:

ای دختر جان! ما اهل‌بیتی هستیم که خدای تعالی به ما شش خصلت عطا فرموده است که به هیچ‌کس از اولین و آخرین ارزانی نفرموده است: پیامبر ما سرور انبیا و مرسلین است و او پدر توست، وصی ما سرور اوصیاست و او شوهر توست و شهید ما سرور شهداست و او حمزه بن عبدالمطلب عموی پدر توست، فاطمه (علیها السلام) گفت: ای رسول خدا! آیا او سید شهادی است که همراه او کشته شدند؟ فرمود: خیر، بلکه او سرور شهیدان اولین و آخرین به‌غیر از انبیا و اوصیاست و جعفر بن ابی‌طالب که دارای دو بال است و در بهشت همراه ملائکه پرواز می‌کند [برادر شوهر توست]، حسن و حسین که دو سبط ائمتم و سرور جوانان اهل بهشتند، فرزندان تو هستند و قسم به خدایی که جانم در دست اوست مهدی این امت از ماست، کسی که زمین را پر از عدل و داد نماید همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

فاطمه (علیها السلام) پرسید: از اینان که نام بردی کدام یکی افضل است؟ فرمود: علی پس از من افضل ائمتم می‌باشد و پس از علی و تو و دو فرزند و سبطم حسن و حسین و اوصیای از اولاد این فرزندانم (به حسین اشاره کرده و فرمودند مهدی از آنهاست)، افضل اهل‌بیتم حمزه و جعفر هستند...^۱.

طبق این روایت، بعد از اهل‌بیت عصمت (علیهم‌السلام) که عبارت‌اند از امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن، امام حسین و نه امام از فرزندان امام حسین (علیهم‌السلام) (که قرآن به طهارت و پاکی آنها گواهی داده است)، حمزه سیدالشهدا و جعفر طیار، بهترین خاندان رسول خدا صلی‌الله علیه و آله، می‌باشند.

۱. ابن بابویه، محمدبن علی، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۳ - ۲۶۴.

حمزه از راکبان در قیامت

یکی دیگر از موضوعاتی که مقام و منزلت والای حمزه در نزد خدای سبحان را بیان می‌کند، این است که طبق برخی روایات، او یکی از کسانی است که در قیامت در آن عرصه‌ای وانفسا و گرفتاری عظاما که کسی سواره وارد نمی‌شود، مگر چند نفر و یکی از آنها، حضرت حمزه معرفی شده است. چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است که فرمود:

«در قیامت وقت و زمانی می‌رسد که هیچ‌کس سواره نمی‌آید، مگر ما چهار نفر، عمویش عباس گفت: یا رسول الله آن چهار نفر چه کسانی هستند؟ فرمود: من هستم که بر براق سوار می‌شوم، برادرم صالح پیغمبر است که او بر ناقه الله که قومش آن را پی کردند، سوار است، عمویم حمزه شیر خدا و شیر رسول خدا که بر ناقه من عضباء سوار است و برادرم علی (علیه السلام) می‌باشد که بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی سوار است»^۱.

این روایت نیز، یکی دیگر از فضیلت‌های حمزه سیدالشهدا را بیان می‌کند زیرا؛ سواره وارد شدن او در قیامت همراه با رسول خدا صلی الله علیه وآله و حضرت صالح پیامبر و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، فضیلت بزرگی به شمار می‌رود.

اهمیت زیارت حضرت حمزه

به زیارت قبر کسی رفتن یک نوع ابراز محبت و ارادت و زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌ای صاحب آن قبر است، اگر صاحب قبر (مزور) از بزرگان، شهدا و اولیای خدا باشد، زیارت قبر او به عنوان تجدیدعهد و پیمان با آرمان‌ها و اهداف مقدس او و الگوگیری از سیره‌ای دینی، عقلایی و انسانی او به شمار می‌رود. از این رو، در روایات متعدد، نسبت به زیارت قبور مطهر رسول خدا صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین (علیهم السلام)، همچنین قبور شهدا و اولیای خدا، تأکید و

۱. طوسی، محمدبن حسن، الامالی، ص ۲۵۸ - ۲۵۹.

توصیه شده است. از جمله نسبت به زیارت قبر حضرت حمزه سفارش شده^۱ و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «مَنْ زَارَنِي وَ لَمْ يَزُرْ عَمِّي حَمَزَةً فَقَدْ جَفَانِي، کسی که مرا زیارت کند و عمویم حمزه را زیارت نکند، در حق من جفا کرده است^۲». از این تعبیری که در روایت آمده است، به خوبی اهمیت زیارت حضرت حمزه معلوم می شود.

حمزه یکی از بزرگان و آقایان اهل بهشت

اهل بهشت بودن سعادت است که آرزوی هر انسانی مؤمن و متدین است و بیان گر شایستگی او و همچنین مورد لطف و رحمت الهی قرار گرفتن او می باشد؛ اما سید و آقای اهل بهشت بودن کسی، از مقام و منزلت ویژه ای او نزد خدای سبحان حکایت می کند. بر اساس روایتی که انس بن مالک از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده است، (برخی از) فرزندان عبدالمطلب که یکی از آن ها حمزه سیدالشهدا می باشد، بزرگان و آقایان اهل بهشت هستند. چنانکه آن حضرت فرمود: «نحن ولد عبدالمطلب سادة أهل الجنة: أنا و حمزة و جعفر و علی و الحسن و الحسين و المهدي^۳».

افتخار امام علی (علیه السلام) به حمزه

با توجه به اینکه ائمه معصومین (علیهم السلام) بخصوص امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، افضل مخلوقات و آگاه ترین خلق به روحیات و شخصیت مردم هستند، همان گونه که به نسبت خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله، احتجاج و افتخار می کردند، حضرت حمزه را آن چنان بزرگ می شمردند که در مقام استدلال، به او استناد و افتخار می نمودند که این موضوع مقام قرب و جایگاه رفیع او در نزد اهل بیت (علیهم السلام) را نشان می دهد.

۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۳۳۵.

۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۹۸.

۳. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص: ۱۸۳.

طبق روایتی که در خصال و برخی کتب معتبر دیگر نقل شده است، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در ضمن روایت نسبتاً طولانی فرمود: برای من هفتاد منقبت و فضیلت است که هیچ‌کسی دیگر این فضایل را ندارد، در بیان بیست و هفتمین فضیلت خود می‌فرماید: «أَمَّا السَّابِعَةُ وَالْعِشْرُونَ فَعَمِّي حَمْزَةُ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ فِي الْجَنَّةِ، أَمَا بَيْسَتْ وَهَفْتَمِينَ أَيْنَ فَضَائِلِ أَيْنَ اسْتِ كِه عَمَوِيم حمزه آقا و سالار شهیدان در بهشت است.»

با توجه به این نکته که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کسی است که عالم و آدم، حتی برخی غیرمسلمان‌ها به وجود و عظمت او افتخار می‌کنند و درباره‌ی او کتاب‌ها نوشته‌اند و به آن وجود مقدس عمیقاً ابراز محبت و ارادت می‌نمایند، اما آن حضرت به عمویش حمزه افتخار می‌کند و او را سید و آقای شهیدان معرفی می‌نماید، از اینجا به خوبی عظمت و مقام والای حمزه سیدالشهدا، معلوم می‌گردد.

همچنین بعد از فوت عمر بن خطاب و در روزی که جهت تعیین خلیفه، شورا تشکیل دادند، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در آن شورا خطاب به داعیه‌داران خلافت، برخی از فضایل و افتخارات خویش را برشمرد، از جمله به عموی بزرگوارش حمزه افتخار نموده و چنین فرمود: «نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ لَهُ عَمٌّ مِثْلُ عَمِّي حَمْزَةَ أَسَدِ اللَّهِ وَ أَسَدِ رَسُولِهِ وَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ غَيْرِي؟ قَالُوا اللَّهُمَّ لَآ، شَمَارَا بِه خِدا سَوِگَند! آيا در ميان شما جز من كسي هست كه عموي، همچون عموي من حمزه داشته باشد كه شير خدا و شير پيامبر او و سرور شهيدان است؟ گفتند: به خدا سوگند! نه.»

در احتجاج دیگری که امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشته است نیز، از جمله به

۱. ابن بابویه، محمدبن علی، الخصال، ج ۲، ص ۵۷۵.

۲. ابن بابویه، محمدبن علی، الخصال، ج ۲، ص ۵۵۵. حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و کشف

الصدق، ص ۳۹۲.

حمزه سیدالشهدا افتخار نموده و آن را از خاندان خود معرفی کرده و چنین فرمودند: «وَ اللَّهُ إِنَّ مِنَّا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ إِنَّ مِنَّا حَمَزَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ، وَ إِنَّ مِنَّا الْإِمَامَ الْمُفْتَرَضَ الطَّاعَةَ، مَنْ أَنْكَرَهُ مَاتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا، وَ إِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا...» به خدا سوگند رسول خدا صلی الله علیه و آله از ماست، حمزه سیدالشهدا از ماست و امام واجب الطاعه از ماست، همان که هر کس او را انکار نماید (از اسلام خارج می شود) خواست یهودی باشد و خواست نصرانی^۱. با توجه به این نکته که امام علی (علیه السلام)، حضرت حمزه را در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امام واجب الطاعه (مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف) ذکر نموده است و معلوم است که مقام و عظمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام معصوم فوق تصور است و قابل مقایسه با هیچ کسی نیست. چنانکه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ، كَسَى بَا مَا أَهْلُ بَيْتِ مَقَايِسَهُ نَمَى شُودَ»^۲. پس نتیجه می گیریم که حمزه سیدالشهدا نیز، از مقام و منزلت والا در نزد خدای سبحان برخوردار است. همچنین از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده است که در برشمردن افتخارات و شخصیت های بی نظیر خانواده و بستگان خود، از حمزه سیدالشهدا نیز نام برده و او را یکی از بهترین مخلوقات خدای سبحان معرفی نموده و چنین فرمودند: «هفت نفر از ما را خداوند آفریده که در زمین مثل و مانند آنها آفریده نشده است، (آن ها عبارت اند از) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که سید و آقای اولین و آخرین و خاتم پیامبران الهی است، وصی او که بهترین اوصیا است، دو سبط او حسن و حسین (علیهما السلام) که بهترین اسباط اند، سید و آقای شهیدان حمزه عموی او، کسی که با فرشته های الهی (در بهشت) پرواز می کند یعنی جعفر (طیار) و حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و (همه این هفت نفر) از ما هستند»^۳.

۱. عده ای از علما، الأصول الستة عشر، ص ۲۶۶.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶.

۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، النص، ص: ۲۵.

حمزه از بهترین شهیدان

بر کسی مخفی نیست که شهادت در راه خدا، مقام بزرگ و دارای اجر و پاداش مضاعف است، حال، برتر بودن در بین شهیدان، خود فضیلت دیگر و بالاتر به شمار می‌رود. حضرت حمزه از این جایگاه برخوردار است؛ زیرا علاوه بر شهید و سیدالشهدا بودن؛ افضل الشهداء نیز معرفی شده است. چنانکه از اصبع بن نباته حظلی نقل شده است که گفت: امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بعد از فتح بصره درحالی که بر استر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سوار بود فرمود: ای مردم! آیا به شما خیر ندهم که بهترین مخلوق در روز قیامت کیست؟ ابو ایوب انصاری عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! خبرده، زیرا تو (در نزد پیغمبر و هنگام نزول وحی و دانستن حقایق و واقعیات) حاضر بوده‌ای و ما غایب. حضرت فرمود:

«همانا بهترین مخلوق در روزی که خدا گردشان آورد، هفت تن از فرزندان عبدالمطلب‌اند که جز کافر و منکر فضیلت ایشان نباشد عمار بن یاسر عرض کرد: یا امیرالمؤمنین نام آنها را بگو تا آنها را بشناسیم، حضرت فرمود: بهترین مخلوق روزی که خدا گردشان آورد، پیغمبران‌اند و بهترین پیغمبران محمد صلی الله علیه و آله است و بهترین شخص از هر امتی بعد از پیغمبر آنها، وصی او است تا آنکه پیغمبری در زمان او آید (پس آن پیغمبر از وصی پیغمبر سابق افضل است) و همانا بهترین اوصیاء، وصی محمد صلی الله علیه و آله است، بهترین مخلوق بعد از اوصیاء، شهیدان‌اند، بهترین شهیدان حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی‌طالب است... و دیگر دو نوه پیغمبر حسن و حسین و مهدی (علیهم‌السلام) اند که خدا هر که را از ما خانواده بخواند، مهدی قرار دهد».

حمزه در بیان امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۰.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، در چند جای نهج البلاغه از حمزه سیدالشهدا گاهی بانام و گاهی با القاب نام برده و مقام و عظمت او را یادآور شده است. در نامه بیست و هشتم نهج البلاغه که خطاب به معاویه است و ادعاهای دروغین معاویه را در آن افشا نموده است، دو بار از حضرت حمزه با القابش نام می‌برد یکبار با تعبیر «شهیدنا» که این تعبیر بیان‌گر عظمت و فضیلت آن بزرگوار است. سپس علاوه بر این که او را به‌عنوان سیدالشهدا معرفی می‌کند، فضیلت دیگری نیز برای او بر می‌شمارد و آن هفتاد بار تکبیر گفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز بر حمزه است. چنانکه خطاب به معاویه فرمود: «تو در بیابان گمراهی روانی و از راه راست روی گردان و من آنچه می‌گویم نه برای آگاهانیدن توست، که آن نزد تو پیدا است، بلکه گفتن من به خاطر یادآوری نعمت خداست. آیا نمی‌بینی که جمعی از مهاجرین و انصار در راه خدا به شهادت رسیدند؟ و همگان از فضیلتی برخوردار بودند. تا آنکه شهید ما (حمزه) شربت شهادت نوشید و به سید الشهداء ملقب گردید و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله، بر او نماز خواند، به گفتن هفتاد تکبیرش مخصوص گرداند».

سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) به ذکر برخی از فضایل و افتخارات بنی‌هاشم و رسوایی‌های بنی‌امیه پرداخته و یکی از افتخارات بنی‌هاشم، حمزه سیدالشهدا را با لقب «اسدالله» ذکر نموده و چنین می‌فرماید: «وَأَسْتَمُّ هُنَاكَ وَأَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ [كَذَلِكَ] وَمِنَّا النَّبِيُّ وَمِنْكُمْ الْمَكْدُبُ وَمِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَمِنْكُمْ أَسَدُ الْأَخْلَافِ وَمِنَّا سَيِّدًا شَبَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمِنْكُمْ صَبِيَّةُ النَّارِ وَمِنَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَمِنْكُمْ حَمَّالَةٌ الْخَطْبِ، شَمَا چگونه و کجا با ما برابرید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ماست و دروغ‌گوی رسوا (ابوجهل) از شما، حمزه شیر خدا (اسد الله) از ماست و ابوسفیان شیر سوگندها (اسد الاحلاف)^۱ از شما، دو سید جوانان اهل بهشت

۱. ابوسفیان چون قبائل گوناگون را سوگند داد تا با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بجنگند، او را به مسخره (شیر سوگندها) نامیدند.

(امام حسن و امام حسین ع) از ما و کودکان در آتش افکنده شده از شما،^۱ و بهترین زنان جهان از ما و زن هیزم کش دوزخیان از شما،^۲ و بیش از این ما را فضیلت‌هاست و شما را فزاحت‌ها».

چنانکه مشاهده می‌شود در این نامه، دو جا امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) از حضرت حمزه با القابی نام‌برده که هرکدام بیان‌گر عظمت اوست و همچنین او را از افتخارات بنی‌هاشم معرفی نموده است.

در نامه نهم نهج‌البلاغه نیز حضرت امیر(علیه‌السلام) خطاب به معاویه، وقتی از جنگ و دشمنی‌های قریش (از جمله پدر معاویه ابوسفیان) با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌سرخن می‌گوید، از فداکاری‌ها و شهادت سرداران رشید اسلام مانند عبیده بن حارث که در بدر شهید شد و جعفر طیار که در موته به شهادت رسید، یاد می‌کند، از حمزه سیدالشهدا که در احد به شهادت رسید نیز، به عظمت نام می‌برد.

حمزه یاور دین خدا

طبق روایتی که در احتجاج طبرسی و برخی منابع دیگر ذکر شده است، روزی یکی از دانشمندان یهودی‌های شام که تورات و انجیل و زبور و صحف پیامبران را خوانده و از دلایل (و معارف) آن‌ها آگاه بود، در محفلی که تعدادی از اصحاب رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از جمله امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) حضور داشتند، وارد شده و پرسش‌های مختلف و زیادی را مطرح کرد، امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) در ضمن پاسخ به پرسش‌های آن دانشمند یهودی، از

۱. صبیئۃ النار: وقتی «عقبه» از سران کینه‌توز قریش در جنگ بدر دستگیر شد به هنگام کشته شدن خطاب به پیامبر اکرم گفت من للصبیئۃ یا محمد؟ (سرپرست فرزندان من چه کسی باشد؟) پیامبر فرمود: النار (آتش جهنم) از آن پس به «صبیئۃ النار» معروف شد.

۲. بهترین زنان حضرت زهرا (س) است که در حدیث مشهوری پیامبر (ص) فرمود: «انک سیده نساء العالمین».

بو زن هیزم کش، ام‌جمیل خواهر ابوسفیان زن ابو لهب و عمه معاویه است که همه طلاها و زیورآلات خود را فروخت تا برای ادیت پیامبر (ص) مصرف گردد.

حضرت حمزه به عنوان شیر خدا و شیر رسول خدا صلی الله علیه وآله و یاور دین خدا یاد نموده است.^۱

یاد کردن از حمزه به عنوان «ناصر دین الله، یاور دین خدا» فضیلت دیگر برای آن شهید والامقام، به شمار می‌رود؛ زیرا عنوان «ناصر دین الله» عنوانی است که امام صادق (علیه السلام) در زیارت‌نامه‌ای که برای شهدای کربلا تعلیم صفوان داده است، این عنوان را نسبت به آن بزرگواران به کار برده و بر آن‌ها با عنوان «انصار دین الله» سلام و درود فرستاده است. معلوم است که شهدای کربلا از مقام و منزلت فوق‌العاده برخوردارند؛ زیرا امام حسین (علیه السلام) در ضمن خطبه‌ای که در شب عاشورا ایراد نمود، فضیلت و برتری آن‌ها را چنین بیان فرمود: «فَأَيُّ لَأَ أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَ لَأَ خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي، مِنْ أَصْحَابِي بَأَوْفَاتِرٍ وَ بَهْتَرٍ مِنْ أَصْحَابِ خَوْدِ نَمِي دَانِمُ»^۲.

رفتن حضرت زهرا (سلام الله علیها) به زیارت قبر حمزه

با توجه به اینکه حضرت زهرا (سلام الله علیها) علاوه بر این که یکی از مصادیق اهل بیت است که قرآن کریم به پاکی آن‌ها گواهی می‌دهد، از نظر مقام و منزلت در اوج قله‌ای کمالات انسانی و قرب الهی قرار دارد، به گونه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه وآله رضایت او را رضایت خدای سبحان و غضب او را غضب آن ذات مقدس بیان نموده است: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لِرِضَاكِ وَيَغْضَبُ لِعِغْضَبِكَ»^۳. نه تنها پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، بلکه امامان معصوم (علیهم السلام) نیز در فضایل و عظمت آن بانوی بانوان و سیده بانوان بهشتی، سخنان قابل توجه دارند. مهم‌تر از همه اینکه بنا به تفسیر اهل بیت (علیهم السلام)، آیات متعدد قرآن کریم در شأن و مقام آن بزرگ بانوی جهان خلقت نازل شده‌اند؛ بنابراین سیره قولی و عملی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حجت و بهترین الگو می‌باشد. به برخی از رفتارهای عملی آن حضرت نسبت به عمومی

۱. طبرسی، فضل بن حسن، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۹۱.

۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۹۳.

بزرگوار پدرش حضرت حمزه، اشاره می‌نماییم.

یکی از سیره‌ای عملی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) این بود که هر صبح شنبه، به زیارت قبور شهدای احد بخصوص قبر مطهر حمزه سیدالشهدا می‌رفت و برای او طلب رحمت و مغفرت می‌نمود. چنانکه راوی بنام یونس از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ عَ كَانَتْ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ غَدَاةٍ سَبَّتِ فَتَأْتِي قَبْرَ حَمْزَةَ وَ تَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ».

بدون تردید، این کار حضرت زهرا (سلام الله علیها)، افزون بر اینکه یک نوع تبلیغ عملی و تشویق مردم برای رفتن به زیارت اهل قبور و طلب استغفار برای آن‌ها، به شمار می‌رود، به معنای زنده نگه داشتن یاد و اهداف شهدا بخصوص عمویش حمزه سیدالشهدا و تجدید عهد و پیمان با آرمان‌های مقدس شهدا می‌باشد.

ساختن تسبیح از خاک قبر حمزه سیدالشهدا

همه‌ی اذکاری که مأثور و صادر از معصومین (علیهم السلام) باشد، دارای آثار و پاداش فراوان است، یکی از این اذکار بافضیلت، تسبیح فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است که پدر بزرگوارش به او تعلیم دادند و مشتمل بر ۳۴ بار الله اکبر و ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۳ مرتبه سبحان الله است. آن حضرت نیز بر آن مداومت داشت و هرروز و بعد از نمازهایشان این اذکار را می‌گفت. طبق روایتی از امام صادق (علیه السلام)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) برای شمارش این اذکار، در ابتدا از نخ‌ی پشمینه‌ای که گره‌های در آن ایجاد کرده بود استفاده می‌کرد و بعد از شهادت حضرت حمزه، از تربت قبر این شهید والامقام تسبیحی ساخته و با استفاده از آن، تسبیحاتش را انجام می‌داد.

درباره‌ی فضیلت تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها)، امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَ وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ»

۱. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۶۵.

۲. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۷.

أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولَ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ ع، خداوند متعال به چیزی برتر از تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) عبادت نشده است، همانا اگر چیزی با فضیلت تر و برتر از آن وجود داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را به حضرت فاطمه علیها السلام، تعلیم می نمود^۱. امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ ع فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ، تسبیح (مادرمان) فاطمه سلام الله علیها هر روز بعد از هر نمازی، نزد من محبوب تر از هزار رکعت نماز در هر روز است»^۲.

انتساب امام حسین (علیه السلام) خودش را به حضرت حمزه

سالار شهیدان اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در روز عاشورا دو بار از حمزه با عنوان سیدالشهدا نام برده و در معرفی خود، خویش را به او منسوب نموده است، یک بار در ضمن خطبه ای که برای لشکریان عمر سعد خواند، در حالی که بر شترش سوار بود ضمن معرفی خویش فرمود: «أَوْ لَيْسَ حَمَزَةً سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ عَمُّ أَبِي؟ آیا حمزه سیدالشهدا عموی پدرم نیست؟»^۳. بار دیگر نیز در برابر لشکریان کوفه و شام قرار گرفته برای اتمام حجت، خودش را معرفی کرد و یکی از کسانی که حضرت در آن شرایط سخت و حساس از او نام برد و او را به عنوان یکی از شاخص ها و استوانه های خاندان و تبار خود برشمرد، حمزه سیدالشهدا بود که فرمود: «أُنشِدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ حَمَزَةَ عَمُّ أَبِي؟ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ، شمارا به خدا سوگند، آیا می دانید که سید و آقای شهیدان حمزه، عموی پدر من است؟ آن ها گفتند: بله به خدا»^۴.

از این سخنان سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام)، به خوبی معلوم می شود که حضرت حمزه، در نزد کوفیان و شامیان یعنی کسانی که در کربلا برای مبارزه با امام حسین (علیه السلام) آمده بودند، نیز به عنوان یک شخصیت با عظمت، در

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۳۴۳.

۲. همان.

۳. کوفی، ابو مخنف، لوط بن یحیی، وقعه الطف، ص ۲۰۶.

۴. ابن بابویه، محمدبن علی، الامالی، ص ۱۵۹.

خاندان بنی‌هاشم مطرح بوده است، زیرا در غیر این صورت، منسوب کردن آن حضرت خودش را به حمزه، معنا نداشت.

افتخار امام سجاد (علیه‌السلام) به حضرت حمزه

امام سجاد (علیه‌السلام) هنگامی که همراه با اهل بیت پدرش اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام)، به‌عنوان اسیر در شام به سر می‌برد، یک روز که یزید به‌عنوان جشن پیروزی خود بر سالار شهیدان حسین بن علی (علیهما‌السلام) مجلس بزرگ تشکیل داده بود و به خطیبی دستور داد که بالای منبر رفته به امیرالمؤمنین علی و فرزندش امام حسین (علیهما‌السلام) سب و ناسزا بگوید و معاویه و یزید را مدح و تمجید نماید، وقتی آن خطیب دین به دنیا فروخته بالای منبر قرار گرفت، ناسزاگویی به امیرالمؤمنین علی و فرزندش اباعبدالله الحسین (علیهما‌السلام) را از حد گذراند و فضایل و مداحی دروغین زیادی را، برای معاویه و یزید تراشید.

در اینجا بود که امام سجاد (علیه‌السلام) که در ظاهر اسیر اما امیر بر کشور دل‌های مؤمنین بود، فریاد زد: «هان ای خطیب! وای بر تو! که خشنودی مخلوق ناتوان را به خشم خدای توانا خریدی! پس جایگاه خود را در آتش دوزخ آماده ساختی!» آنگاه رو به یزید کرد و فرمود: ای یزید به من اجازه بده تا بر فراز این چوب‌ها بروم و سخنانی درست و شایسته‌ای بگویم که هم خشنودی خدا در آن‌ها باشد و هم برای این مردم (در بند) اجر و پاداشی داشته باشد (در سخنان این خطیب نانجیب، نه تنها خشنودی خدا نیست و برای مردم اجر و پاداشی ندارد بلکه غضب خدای سبحان و گناه و معصیت برای مردم است)، یزید نپذیرفت، اما با اصرار زیاد اطرافیان یزید و مردم، او مجبور شد به امام سجاد (علیه‌السلام) اجازه‌ای ایراد خطابه دهد.

امام علی بن الحسین (علیهما‌السلام) وقتی بالای منبر قرار گرفت، بعد از حمد و ثنای الهی آن‌چنان خطبه‌ای آتشین، تاریخی، روشنگرانه و تحول‌آفرین ایراد نمود و به‌گونه‌ای خودش را معرفی کرد و از فضایل اهل بیت عصمت مخصوصاً امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) گفت که چشم‌ها را گریان و قلب‌ها را لرزان ساخت و آن‌چنان مردم را منقلب و متحول نمود که مجلس جشن یزید،

تبدیل به ماتم گردید و صدای ضجه و فریاد مردم بلند شد، کار به جایی رسید که یزید مجبور شد سخن امام سجاد (علیه السلام) را قطع نماید، به همین منظور به مؤذن دستور داد که اذان بگوید و حضرت از اذان هم برای تبیین حقایق و افشاگری ظلم و جنایات یزید، کمال استفاده را برد.

منظور این که امام سجاد (علیه السلام) در آغاز این خطبه‌ای تاریخی و تحول‌آفرین خود، به افتخارات و فضایل اختصاصی اهل بیت (علیهم السلام) و عنایات خاصه الهی به آن‌ها، اشاره نمود و یکی از فضایل خود، حضرت حمزه را برشمرده و فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ أُعْطِينَا سِتًّا وَفُضِّلْنَا بِسَبْعِ أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالسَّمَاخَةَ وَالْفَصَاخَةَ وَالشَّجَاعَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَفُضِّلْنَا بِأَنَّ مِنَ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ مُحَمَّدًا وَمِنَّا الصَّدِيقُ وَمِنَّا الطَّيَّارُ وَمِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَ أَسَدُ رَسُولِهِ وَمِنَّا سِبْطًا هَذِهِ الْأُمَّةُ» هان ای مردم! خدا به ما (اهل بیت) شش نعمت گران و پر ارزش ارزانی داشته و ما را به هفت ویژگی بر دیگر انسان‌ها برتری و امتیاز بخشیده است.

خدا به ما دانش و بینش، حلم و بردباری، سخاوت و بخشندگی، فصاحت و سخنوری، جوانمردی و آزادگی، شجاعت و شهامت ارزانی داشته و گستره‌ی دل‌ها و قلب‌های مردم توحیدگرا و با ایمان را کانون مهر و عشق ما ساخته است. و نیز خدای سبحان، بر ما خاندان پرشکوه رسالت، منت نهاده و ما را به وسیله این هفت نشان عظمت، به همگان برتری بخشیده است:

این نشانه‌ها عبارت‌اند از: ۱. پیامبر بزرگ خدا، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله از خاندان ماست. ۲. صدیق (نخستین ایمان آورنده به آن حضرت، امیر مؤمنان علی (علیه السلام)) از خاندان ما است. ۳. جعفر طیار، آن شهید دلاور راه عدالت و آزادی از خاندان ماست. ۴. شیر شجاع حق و شیر پیامبر خدا (حضرت حمزه) از ماست. ۵ و ۶. دو فرزند ارجمند پیامبر و دو یادگار عزیز آن حضرت، حسن و حسین (علیهم السلام) از ما هستند. ۷. آن آخرین امید و بزرگ اصلاحگر زمین و زمان در واپسین حرکت تاریخ نیز از ما، خاندان

توحید و آزادی و عدالت و تقواست!

با توجه به این نکته که در موارد متعدد، در بیان معصومین از حضرت حمزه در کنار خمسه طیبه و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نام برده شده است و همچنین امام معصوم و حجت خدای سبحان بر خلق، به او افتخار می‌کند، لذا به خوبی مقام و منزلت آن شهید والامقام آشکار می‌گردد.

روز شهادت حضرت حمزه سخت‌ترین روز بر رسول خدا (ص)

امام سجاد (علیه السلام) در سخن دیگری از حضرت حمزه یاد نموده و شهادت وی را سخت‌ترین روز برای رسول خدا صلی الله علیه وآله بیان می‌کند. آنجا که روزی نگاه امام سجاد (علیه السلام) به عییدالله پسر ابوالفضل العباس (علیه السلام) افتاد، حضرت گریه کرد و فرمود: «هیچ روزی چون روز احد بر رسول خدا صلی الله علیه وآله سخت نبود؛ زیرا در آن روز عمویش حمزه بن عبدالمطلب شیر خدا و شیر رسولش به شهادت رسید...». سپس حضرت روز شهادت امام حسین (علیه السلام) را بی نظیر توصیف نموده و ضمن اشاره به مظلومیت آن حضرت، مقام و منزلتی را برای ابوالفضل العباس (علیه السلام) بیان می‌کند که همه شهدا در قیامت، به مقام او غبطه می‌خورند.^۱

بدون شک رسول خدا صلی الله علیه وآله در راه تبلیغ رسالت مشکلات و سختی‌های فراوانی دید و داغ‌های فراق عزیزانی مانند فرزندان و همسر فداکار مانند حضرت خدیجه و عموی همیار مانند حضرت ابوطالب (علیه السلام) را دید که سال رحلت آن دو بزرگوار را عام الحزن (سال اندوه) نامید، اما طبق فرمایش امام سجاد (علیه السلام)، هیچ‌یک از این مصائب به اندازه‌ای شهادت حضرت حمزه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سخت نگذشت که این مطلب بیان‌گر جایگاه و اهمیت آن شهید والامقام، برای آن حضرت است.

حمزه پادشاه بانشاط و شیر رهاننده

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص: ۱۳۷-۱۳۹.

۲. ابن بابویه، محمدبن علی، الامالی، ص ۴۶۲.

با توجه به اهمیت شناخت اهل بیت (علیهم السلام) و اطاعت و پیروی از آن بزرگواران، همه امامان معصوم (علیهم السلام) درباره عظمت و جایگاه رفیع اهل بیت (علیهم السلام) نزد خدای سبحان سخن گفته و آن‌ها را برای بشریت شناسانده‌اند، از جمله در ضمن روایت نسبتاً طولانی که از امام باقر (علیه السلام) در این زمینه نقل شده است و حضرت علاوه بر بیان برخی از فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام)، برخی از بزرگان خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را نیز بیان نموده است، از جمله از حضرت حمزه سیدالشهدا نام برده و او را به عنوان پادشاه بانشاط و شاداب و شیر رهاشده (نه در قفس) معرفی کرده و چنین می‌فرماید: «مِنْهُمْ الْمَلِكُ الْأَزْهَرُ وَالْأَسَدُ الْمُرْسَلُ حَمَزَةُ [بْنُ عَبْدِ الْمَطْلَبِ]».

حضرت حمزه شجاع و دلاور بنی هاشم

از منظر امام باقر (علیه السلام)، حضرت حمزه و جعفر طیار، آن‌چنان از شجاعت و دلیری و شوکت و شهامت برخوردار بودند که اگر بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنده می‌بودند، مظلومیت عترت طاهره مخصوصاً امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رقم نمی‌خورد و خلافت توسط ابوبکر و عمر غضب نمی‌شد، بلکه در این صورت غاصبان خلافت را، گردن می‌زدند. چنانکه در روایتی از سدیر می‌خوانیم که می‌گوید: در خدمت امام باقر علیه السلام بودیم و سخن از کارهایی که مردم پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پدید آوردند و امیر مؤمنان علی علیه السلام را تنها گذاردند، به میان آمد، مردی از حاضرین به امام علیه السلام گفت: در آن وقتی (که مردم علی را تنها گذاردند) عزت بنی هاشم و آن جمعیت و نیرویی که داشتند چه شده بود؟ امام باقر (علیه السلام) فرمود: «چه کسی از بنی هاشم در آن وقت بجای مانده بود؟ مردان دلاور بنی هاشم جعفر و حمزه بودند که از دنیا رفته بودند و برای علی علیه السلام از بنی هاشم دو تن از مردان ناتوان زبون تازه‌مسلمان یعنی عباس و عقیل مانده بودند که آن هر دو از

۱. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۹۷؛ ابن طاووس، علی، الیقین باختصاص

مولانا علی علیه السلام بامر المؤمنین، ص ۳۲۰.

طلاق (آزادشدگان مکه) بودند. به خدا سوگند اگر حمزه و جعفر زنده بودند، آن دو نفر (یعنی ابوبکر و عمر) دستی به خلافت و آرزویی که در سر پرورانده بودند، نداشتند و اگر آن دو (حمزه و جعفر طیار)، شاهد (آن جریانات و) کارهای آن دو نفر بودند، آن‌ها را زنده نمی‌گذاشتند^۱.

از این روایت به‌خوبی عظمت و شجاعت و دلیری و فداکاری حمزه و جعفر طیار، این دو شهید والامقام معلوم می‌شود، به‌گونه‌ای که طبق این روایت امام باقر (علیه‌السلام) به نحوی آرزوی زنده‌بودن آن دور بزرگوار بعد از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را می‌کرد تا آن مظلومیت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) رقم نمی‌خورد و خلافت از مسیر اصلی خود خارج و غصب نمی‌گردید.

زیارت حمزه یکی از با فضیلت‌ترین زیارات

در روایتی که از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است، راوی از آن حضرت پرسش‌های را درباره فضیلت حج، صدقه و جهاد می‌کند و پاسخ می‌شنود و یکی از پرسش او درباره (فضیلت) زیارت است، امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «زِيَارَةُ النَّبِيِّ صَ وَ زِيَارَةُ الْأَوْصِيَاءِ وَ زِيَارَةُ حَمَزَةَ وَ بِالْعِرَاقِ زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ (علیه‌السلام)، (با فضیلت‌ترین زیارات) زیارت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، زیارت اوصیای (آن حضرت، ائمه معصومین ع)، زیارت حمزه و در عراق زیارت امام حسین (علیه‌السلام) است^۲».

باتوجه به این نکته که زیارت قبور مطهر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، از فضیلت و اهمیت فوق‌العاده برخوردار است، مخصوصاً زیارت امام حسین (علیه‌السلام) که روایات زیادی در این زمینه نقل شده است و امام صادق (علیه‌السلام) زیارت قبر مطهر حمزه را در کنار زیارت مرقد مطهر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اوصیای آن حضرت یعنی ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، از با فضیلت‌ترین زیارات بیان نموده است. از اینجا

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۱۸۹ - ۱۹۰.

۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۳۳۵.

به خوبی معلوم می‌شود که حمزه سیدالشهدا دارای مقام و منزلت والا در نزد خدای سبحان و اهل بیت (علیهم‌السلام)، می‌باشد.

حمزه و جعفر طیار شاهدان انبیاء بر ابلاغ رسالت

طبق روایتی که از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است، در قیامت از انبیاء الهی از ابلاغ رسالت و تبلیغ معارف آئین و شریعتشان پرسیده می‌شود و حتی بر این موضوع درخواست شاهد می‌گردد و حمزه سیدالشهدا و جعفر طیار این دو شهید والامقام، در قیامت به دستور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، بر تبلیغ رسالت انبیاء الهی، شهادت می‌دهند. چنانکه یوسف بن ابی سعید می‌گوید: یک روز نزد امام صادق (علیه‌السلام) بودم، حضرت فرمود: هرگاه روز رستاخیز شود و خدای سبحان خلایق را فراهم آورد، نوح (علیه‌السلام) نخستین کس است که او را بخوانند و به او گفته می‌شود: آیا تبلیغ کردی و به مردم رسالت خود را رساندی؟ در پاسخ گوید: آری، به او گفته می‌شود چه کسی برای تو گواهی می‌دهد؟ در پاسخ گوید: محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله). (امام صادق (علیه‌السلام)) فرمود: نوح از بین جمعیت مردم عبور نموده و خود را به محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌رساند که بر سر تلی از مشک است و علی (علیه‌السلام) هم همراه او است. نوح رو به آن حضرت نموده و می‌گوید: ای محمد! (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، خدای سبحان از من پرسید که آیا تبلیغ رسالت کردی؟ گفتم: آری، پس فرمود: چه کسی برای تو گواهی می‌دهد؟ گفتم: محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله. آن حضرت رو به جعفر و حمزه نموده می‌فرماید: بروید و برای او گواهی دهید که او تبلیغ رسالت کرده است. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: پس جعفر و حمزه هر دو، دو گواه برای پیغمبران‌اند بدان چه تبلیغ کرده‌اند. (راوی می‌گوید: من گفتم: قربانت شوم پس علی (علیه‌السلام) کجا است؟ فرمود: مقام و منزلت او بالاتر از این است^۱).

این روایت نیز به خوبی عظمت و جایگاه رفیع حمزه سیدالشهدا و همچنین

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص: ۲۶۷.

جعفر طیار را نزد خدای سبحان بیان می‌کند؛ زیرا شهادت دادن بر ابلاغ رسالت انبیاء عظام الهی، مقامی است ارجمند و بزرگ.

دفاع حمزه از رسول خدا (ص) و انتقام‌گیری از دشمنان آن حضرت

در صدر اسلام و زمانی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌به‌تازگی رسالت خویش را علنی کرده و مشرکین قریش و اهل مکه را به توحید و یکتاپرستی دعوت می‌کرد، کفار قریش در اذیت و آزار و توهین به آن حضرت از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند، در آن شرایط سخت و حساس، یگانه مدافع و یاور آن حضرت، عموهای بزرگوارش حضرت ابوطالب و همچنین حضرت حمزه سیدالشهدا بودند که از آخرین فرستاده‌ای الهی و برادرزاده‌شان دفاع و حمایت می‌کردند (و از این طریق علاوه بر این که ایمان و محبت قلبی خود به پیامبر الهی را به نمایش می‌گذاشتند، برگی زرین دیگر بر کتاب قطور فضایل و عظمتشان می‌افزودند).

چنانکه از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «در (صدر اسلام) هنگامی که پیغمبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجدالحرام بود و لباس‌های نو در برداشت، مشرکین شکمه شتری را بر او افکندند و لباس‌هایش را آلوده کردند، آن حضرت از این عمل به شدت ناراحت شد، آنگاه نزد ابوطالب رفت و فرمود: ای عمو! حسب^۱ مرا در میان خود چگونه می‌بینی؟ او گفت: مگر چه شده‌ای برادرزاده؟! حضرت (رفتار مشرکین قریش را) گزارش داد، ابوطالب حمزه را طلبید و خودش هم شمشیر برگرفت و به حمزه گفت: شکمه شتر را بردار، سپس همراه پیغمبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، به سوی آن قوم رفت تا نزد قریش رسید، آن‌ها گرد کعبه بودند، چون او را دیدند آثار خشم و بدی را در چهره‌اش خواندند، آنگاه به حمزه گفت: شکمه را بر سبیل همه بمال، او چنین کرد تا به نفر آخرشان هم مالید، سپس ابوطالب متوجه پیغمبر خدا صلی‌الله‌علیه

۱. حسب مرد. دین و ارزش و کارهای نیک و صفات پسندیده و کردار شایسته اوست و نیز صفات حمیده پدران اوست، زیرا شخصیت مرد به وسیله این‌ها به حساب می‌آید- مرآت ص ۳۶۰.

و آله شد و گفت: برادرزاده! این است حسب تو در میان ما». واکنش نشان دادن حضرت ابوطالب و حضرت حمزه به آزار و اذیت مشرکان قریش رسول خدا صلی الله علیه و آله را، اوج حمایت و دفاع آن دو، از آن حضرت و همچنین شجاعت و هیبت آن دو مخصوصاً حضرت حمزه را نشان می دهد.

نتیجه گیری

از آنچه بیان شد می توان به طور خلاصه به این نتیجه رسید که حضرت حمزه هم در نزد خدا و رسولش و هم در نزد اهل بیت (علیهم السلام) از مقام و منزلت والا برخوردار است و هریک از القاب آن شهید مظلوم مانند سیدالشهدا، اسدالله، اسد رسول الله، ناصر دین الله که از طرف خدا و رسولش و اهل بیت (علیهم السلام) به او داده شده است، بیانگر فضیلتی از فضایل اسلامی و انسانی می باشد، علاوه بر این که اهل بیت (علیهم السلام) در موارد متعدد از او به خوبی و عظمت یاد کرده و حتی به او افتخار نموده اند.

نه تنها حمزه در دنیا دارای مقام و منزلت است و از یاوران و حمایت گران صادق رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار می رود، بلکه در قیامت نیز از جایگاه و مقام والا برخوردار است، به گونه ای طبق برخی روایات همراه با جعفر طیار به عنوان گواهان تبلیغ رسالت انبیای الهی معرفی شده است.

حضرت حمزه افزون بر این که در زندگی خود یاور و فریادرس مظلومان و بی پناهان بود و مجاهد دلیر و شجاع در دفاع از اسلام و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود، بعد از شهادت نیز قبر مطهرش مزار و مطاف بزرگان دین و معصومانی مانند حضرت زهرا سلام الله علیها بود و هست و زیارت او یکی از با فضیلت ترین زیارت ها بیان شده است.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص: ۴۴۹.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۳.
ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبئه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید،
تحقیق و تصحیح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی،
۱۴۰۴.

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث
الدینیة، قم، دار سیدالشهدا للنشر، ۱۴۰۵.

ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر
غفاری، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۵.

ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم،
جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.

ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تحقیق و تصحیح:
مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.

ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرأة
المؤمنین، محقق و مصحح: اسماعیل انصاری زنجانی، قم، دار الكتاب، ۱۴۱۳.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق و تصحیح: عبدالحسین
امینی، نجف اشرف، دار المرتضویه، ۱۳۵۶.

ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، تحقیق و تصحیح: محمد هادی
یوسفی غروی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.

بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من
الآیات و الأخبار و الأقوال، تحقیق و تصحیح: محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی،
قم، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۱۳.

- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح: قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسه البعثه، قم، مؤسسه بعثت، ۱۳۷۴.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق و تصحیح: محمدباقر محمودی، تهران، التابعه لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، ۱۴۱۱.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۱۳.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله عليهم)، تحقیق و تصحیح: محسن بن عباسعلی کوچه‌باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق و تصحیح: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، قم، آل البيت، ۱۴۱۷.
- طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، تحقیق: مؤسسه البعثه، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴.
- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تحقیق و تصحیح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱.
- عده‌ای از علماء، الأصول الستة عشر، تحقیق و تصحیح: ضیاءالدين محمودی، نعمت‌الله جلیلی، مهدی غلامعلی، قم، مؤسسه دار الحدیث الثقافیة، ۱۳۸۱.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، نهج الحقّ وکشف الصدق، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۲.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق و تصحیح: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴.

- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق و تصحیح: محمد کاظم، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تحقیق و تصحیح جمعی از علما، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸.